

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ • ۲۱ ذی‌القعده ۱۴۴۶ • ۱۹ می ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۱۳ • صفحه ۱۲ • صدقه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۶ • اذان صبح فردا ۳:۱۶ • طلوع آفتاب ۴:۵۶

www.sharghdaily.com



aparat:tasvirshargh



Telegram:SharghDaily



youtube:sharghdaily



twitter:sharghdaily



instagram:sharghdaily1



هنرخوانی

«یک تصادف ساده»

پناهی در «کن»

چند روز مانده به اکران فیلم «یک تصادف ساده» جعفر پناهی در کن، او در صفحات مجازی، پشت صحنه تهیه و ساخت فیلمش را منتشر کرد. در این صحنه فضاپی همچون کویر را نشان می‌دهد که باد شدیدی در آن می‌وزد و همه‌جا پر از خاک و شن است. جعفر پناهی درباره خلاصه داستان فیلمش نوشته است: «آنچه به عنوان یک تصادف کوچک آغاز می‌شود، در ادامه به یک‌سری از نتایج بزرگ‌تر و بزرگ‌تر تبدیل می‌شود».

بازهم یک پرونده باز

فرزندان مهرجویی در بیانیه‌ای اعلام کردند پرسش‌های زیادی درباره این پرونده وجود دارد. آنان این نکته را درباره آخرین حکم صادرشده برای پرونده اعلام کردند. در این بیانیه که با عنوان «باز هم یک پرونده باز و دادخواهی ناتمام» منتشر شده، آمده است: «پرونده رسیدگی به فاجعه قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر با تأیید حکم شعبه اول دادگاه کیفری یک استان البرز به پایان قضائی خود رسید، لیکن رنج ما و پرسش‌های فراوانمان به پایان نرسیده است و ما فرزندان معتقدیم که رسیدگی کافی و تمام نبوده و با توجه به تحقیقات ناقص و شتاب‌زده در این پرونده، نتیجه حاصله برایمان قانع‌کننده نیست. بنابراین صرف‌نظر از اینکه مجازات اعدام را به‌طور کل بازدارنده و مفید و متناسب نمی‌دانیم، اعمال این مجازات نیز در این پرونده درخصوص یک نفر از چهار نفری که ادعا می‌شود عزیزانمان را بر ضریات متعدد چاقو در خانه‌مان به قتل رسانده‌اند با شُبُهات فراوانی روبه‌روست و به‌هیچ‌وجه خواستار قصاص وی نیستیم». فرزندان این خانواده هنرمند مریم، مونا و صفا مهرجویی در پایان تأکید کرده‌اند: «ما همچنان خواستار رسیدگی دقیق و مجازات تمامی عاملین و آمرین این قتل وحشیانه خواهیم بود».

بیانیه

واکنش انجمن صنفی عکاسان به درگذشت درجاتی

انجمن عکاسان مطبوعاتی پس از درگذشت «حمیدرضا درجاتی»، عکاس ورزشی، در مأموریت کاری، بیانیه‌ای منتشر کرد و نسبت به سخنان فدراسیون اتومبیل‌رانی واکنش نشان داد. در متن این بیانیه آمده است: «درگذشت هنرمند خبر و فعال عرصه عکاسی مطبوعاتی، جناب آقای حمیدرضا درجاتی، ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای جامعه رسانه‌ای و هنری کشورمان است. انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ضمن عرض تسلیت و همدردی عمیق با خانواده محترم، دوستان و همکاران ایشان، در این مراسم یاد و خاطره این هنرمند را گرامی می‌دارد. حمیدرضا، همواره به عنوان عکاسی پرتلاش، زحمتکش و فعال در عرصه خبر و مطبوعات شناخته می‌شد. پویایی و انرژی سرشار او در ثبت لحظات ناب و انعکاس رویدادهای مختلف، ستودنی بود. علاوه بر جدیت در کار، چهره شوخ و صمیمی‌اش، او را در قلب همکاران و دوستان جای داده بود. حمیدرضا، همیشه به‌عنوان عضوی فعال در انجمن همراه و یار ما بود. دلگرم بودیم به حضورش، خوب خاطرم‌ان هست عکس یادگاری آخرین نشان عکس مطبوعاتی سال را با نبوغ مثال‌زدنی‌اش برایمان ثبت کرد».

در بخش دیگر این بیانیه انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ضمن ابراز تأسف عمیق از این حادثه ناگوار، قول پیگیری در این زمینه را داده و نوشته است: «پیگیری‌های لازم را درخصوص بررسی دقیق ابعاد این حادثه و مشخص‌شدن میزان قصور احتمالی برگزارکننده مسابقات اتومبیل‌رانی انجام خواهد داد. در حالی که به ادعای کارشناسان رشته اتومبیل‌رانی، بیست برگزاری مسابقات، استانداردهای ایمنی لازم را نداشته است. متأسفانه، اظهارات اخیر یکی از مسئولان امن مبنی بر بی‌احتیاطی عکاس، موجب تأسف و تعجب جامعه عکاسی مطبوعاتی شده است. انجمن ضمن رد این‌گونه اظهارات غیرمسئولانه، بر ضرورت پاسخ‌گویی شفاف و عادلانه مسئمین این حادثه تأکید دارد و از هیچ تلاشی برای احقاق حقوق این هنرمند عزیز و خانواده محترمشان دریغ نخواهد کرد. همچنین، انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی از نهادهای نظارتی وزارت ورزش، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و قوه قضائیه، خواستار پیگیری جدی و دقیق این موضوع و برخورد قانونی با مقصرین احتمالی است. این انجمن بر ضرورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و نظارت دقیق بر برگزاری رویدادهای مشابه تأکید نموده و خواستار تضمین ایمنی فعالان رسانه‌ای در انجام وظایف حرفه‌ای خود می‌باشد تا دیگر شاهد چنین حوادث تلخ و جبران‌ناپذیری نباشیم».

حق حیات، نخستین حقی است که برای انسان‌ها ثابت است و همین مبدأ و خاستگاه دیگر حقوق انسانی خواهد بود. ریشه‌های تاریخی طرح کوچ اجباری مردم فلسطین، به آغاز تشکیل اسرائیل بازمی‌گردد که «تئودور هرتزل»، بنیان‌گذار این جنبش، نوشت: «وقتی این سرزمین را به اشغال خود درآوردیم، منافع و درآمدهای خود را به آنجا انتقال می‌دهیم، ما باید به صورتی آرام، مالکیت خصوصی افراد (فلسطینیان) را در سرزمینی که برای اسکان یهودیان برنامه‌ریزی شده است، از آنها سلب کنیم و برای کوچاندن ساکنان فقیر این سرزمین بکوشیم و آنها را از مرزهای این سرزمین بیرون کنیم». «داوید بن‌گوریون»، نخستین نخست‌وزیر اسرائیل نیز مبتکر طرحی نظامی این رژیم بود که در جریان جنگ فلسطین در سال ۱۹۴۸ برای آماده‌سازی تأسیس یک کشور یهودی اجرا شد. این طرح از مارس ۱۹۴۸ آغاز و تا پایان جنگ در اوایل سال ۱۹۴۹ ادامه یافت و نقشی اساسی در اخراج و فرار فلسطینی‌ها در سال ۱۹۴۸ ایفا کرد. در جریان آن بیش از ۷۵۰ هزار فلسطینی از خاک این کشور خارج شدند. ادامه این سیاست در طول جنگ ۱۹۶۷ نیز موجب خروج جمعیت قابل توجهی از کرانه باختری، بیت‌المقدس و غزه شد. «بشلیئل اسموتیچ»، وزیر دارایی رژیم اسرائیل تأکید دارد: «ما غزه را اشغال می‌کنیم تا آنجا بمانیم و دیگر نه ورودی وجود دارد و نه خروجی. وقتی حمله زمینی به غزه آغاز شود، هیچ بقع‌نشینی از مناطقی که ما کنترل می‌کنیم، صورت نخواهد گرفت».

این تصمیم با موجی از نگرانی‌های بین‌المللی مواجه شده و در شرایطی اتخاذ می‌شود که بیش از ۵۲هزارو ۸۶۲ نفر در غزه قربانی حملات اسرائیل شده و ورود کمک‌های انسانی متوقف شده است. اتحادیه اروپا از اسرائیل خواسته است محاصره غزه را فوراً لغو کند تا کمک‌های

بشردوستانه به افراد نیازمند برسد. اسرائیل به‌عنوان «قدرت اشغالگر»، طبق قوانین بین‌المللی موظف است دسترسی کمک‌های بشردوستانه را تضمین کند.

محاصره غزه و تشدید گرسنگی

اسرائیل بیش از دو ماه است از ورود شیرخشک، مواد غذایی و هر نوع کمک‌های انسانی به غزه جلوگیری کرده که این اقدام منجر به بستری‌شدن بیش از ۷۰ هزار کودک به دلیل سوءتغذیه شدید در بیمارستان شده است. در سایه این محاصره هفتمند، بیش از سه‌هزارو ۵۰۰ کودک زیر پنج سال با مرگ ناشی از گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در حالی که حدود ۲۹۰ هزار کودک دیگر در آستانه مرگ قرار دارند. در زمانی که ۱۰۱ میلیون کودک روزانه از حداقل نیازهای غذایی برای بقا محروم هستند، این جنایت توسط اشغالگران اسرائیلی با استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح و در مقابل سکوت شرم‌آور بین‌المللی انجام می‌شود. جلوگیری از رسیدن غذا و دارو و سیاست گرسنگی هفتمند که توسط اسرائیل علیه کودکان در غزه اعمال می‌شود، نسل‌کشی تمام‌عمر طبق قوانین بین‌المللی است و جامعه بین‌المللی مسئولیت همدستی از طریق

یادداشت

به بهانه روزهای بزرگداشت فردوسی وخیام

زیست جهان ایرانی، در پرتومیراث ملی همچنان طالع است



مراسم تشییع پیکر حمیدرضا درجاتی، عکاس سابقه و فعال خبری و ورزش کشور صبح روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ در مقابل خانه هنرمندان برگزار شد. حمیدرضا درجاتی ظهر روز جمعه ۲۶ اردیبهشت در حین تصویربرداری از مسابقات اتومبیل‌رانی دچار سانحه شد و جان به جان‌افزین تسلیم کرد. عکس: احسان قلمچی، شرق

آکادمی

تعرفه‌زالوووزارت دانشمندان



بابک زمانی

نورولوژیست

در تعرفه خدمات درمانی ایران مصوب ۱۴۰۴ با اضمای معان‌اولن رئیس‌جمهور، اگر طبیبی بیماری را ویزیت کند یعنی شرح حال بگیرد، معاینه کند و روش درمان را مشخص کند، دستمزدش ۱۰۸ واحد (هرچقدر هست) است، اما اگر یک زالو را از قوطی درآورد و به جان کسی بیندازد، دستمزدش ۲۰۲ واحد (همان واحد) است. تازه با هر زالوی جدید ۰۰۸ اضافه تعلق می‌گیرد و محدودیتی هم برای تعداد زالو وجود ندارد. با عکس‌هایی که از تعداد زالوهای به‌کاررفته در سروصورت و حتی چشم مردم وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که تعرفه زالو با تعرفه بسیاری از خدمات درمانی کشور ما برابری می‌کند یا بسیار بسیار فراتر است. برای مثال، دستمزد گرفتن مایع نخاع LP برای تشخیص مننژیت و بسیاری بیماری‌های دیگر مغز با تمام دشواری و ذهنیت منفی‌ای که بیماران درباره آن دارند، قطعا از یک جلسه زالدورمانی یا یکی دو زالو کمتر است! کاهش آمار LP در کشور ما یک مسئله بهداشتی درمانی جدی است. تردید نباید کرد با چنین سیستم تعرفه‌گذاری در سیستم سلامت کشور، سنگ روی سنگ نخواهد ماند. این مصوبات در حالی است که مسئولان وزارت بهداشت از خود وزیر تا معاونان و مسئولان عالی‌رتبه در دولت جدید عموماً از برسرسته‌ترین دانشمندان طب در کشور ما هستند. خود رئیس‌جمهور نیز! کسانی که اصلاً گمان نمی‌برم در‌های عقیده به زالو داشته باشند یا در کار بالینی خود از آن استفاده کرده باشند.

بخش مهمی از جامعه پزشکی ایران برای روی کار آمدن این دولت جدید و این ترکیب از دانشمندان مسئول، تلاش بسیار کرده و امید بسیار بسته و از شرف و آبروی خود مایه گذاشته است، به هیچ عنوان پشیمان نیست و کار اصلاح را هم سهل نمی‌گیرد. اما نمی‌تواند نگرانی و بی‌قراری خود را تنها از جهت‌گیری که در دوردست ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد پنهان کند.

آیا ساختار دولتی آن چنان «لوپوتان» مهمیی است که این همه دانشمند نمی‌توانند به هیچ عنوان در ساخت و کار آن تغییری ایجاد کنند؟ دانشمندانی که ظاهراً افسار این هیولا را در دست دارند. یا دست‌هایی تبهکار به‌شدت در حال تخریب در منافع ملی و سلامت مردم و امید و آرزوی جامعه پزشکی هستند؟ یا چرخ‌دنده‌ها و پیچ‌های متعدد این قصر، مساحان را در تار عنکبوتی اهریمنی گرفتار کرده است؟

وزارت بهداشتی که به اذعان مسئولان بهدکاری‌های عظیم و میلیاردي به ارت برده است، قادر نیست یکباره تمام ارت بیضای پورخج و بی‌حاصل را از دفتر و معاونت تا دانشکده و درمانگاه و بیمارستان ستنی و ایرانی با یک چرخش قلم تعطیل کند و هزینه‌های آنها را به خرج اساسی‌ترین درمان‌ها و گسترش شبکه‌های بهداشت و پزشکی خانواده برساند. تنها یک «بزرهشکده» برای «تحقیق» در مورد ذخایر طب سنتی ما شامل محققانی که پیشاپیش «معتقد» به آن نیستند تأسیس کند؟

آیا دانشمندان مسئول و استادانی که خود هزاران طبیب آموزش داده‌اند قادر نیستند تأثیر چنین قانونی را در آفرینش امید در دل هزاران جوانی که در مراحل مختلف مهاجرت هستند، درک کنند؟ بی‌تردید ساختارها و قوانین و دلائل پدیدآمدن و تداومشان مقدم بر اراده افراد هستند، اما وقتی بهترین‌های یک جامعه به چنین مسئولیت‌هایی گمارده می‌شوند و آنان مقهور سیستم شده و به ناظری بی‌طرف تبدیل می‌شوند، جز ناامیدی چه چیزی به دست می‌آید؟

افراد بدون درخواست عمومی و فشار از پایین که باید از طریق نهادهای مسئول اعمال شود، هیچ‌گاه به نتیجه نخواهد رسید. چنین فشار و درخواستی بی‌تردید می‌تواند بهترین حربه در دست مسئولاتی باشد که خود از ناتوانی‌شان در اصلاح ساختارها در عذاب و در تعجب هستند!

یک سرزمین محدودتر قرار دهیم؛ همچنان که «نعمت ییلدیریم»، استاد زبان فارسی در ترکیه، همین امسال در مراسم بزرگداشت فردوسی در شهر تبریز، استقبال از ترجمه شاهنامه را در کشور ترکیه درخور توجه می‌داند و این نشان از بیوند ژرف میراث اندیشه بزرگان میهن با مردمان سرزمین «ایران فرهنگی» دارد. امید است که ایرانیان وفادار به گنج‌های فکری و فلسفی نیاکان خود، با بهره‌گیری از چراغ استادانی مانند ژاله آموزگار، اصغر دادبه، میرجلال‌الدین کرزایی، سجاد آیدنلو و نصرالله پورجوادی و دیگر استادان زنده و نیز آنان که رخ در نقاب خاک کشیده‌اند، بتوانند ارتباط میراث ملی را در روزگار مدرن کنونی درک کنند و با استواری از این میراث و نیز زبان فارسی – که محمل اندیشه و آرمان‌های مشترک ایرانیان و عنصری توانمند برای همبستگی ملی است- در برابر جریان‌های مصادره‌گر قدرت و نیز ایران‌ستیز باسداری کنند. در این میان جوانان میهن باید با هوشیاری و آگاهی، در دام نظریه‌ها و شعارهایی مانند «کهنگی میراث ملی»، «امروز عصر دهکده جهانی و هوش مصنوعی است»، «چارچوب‌های فرهنگ و آموزش، ابزار دیکتاتوری و به‌بندکشیدن اندیشه‌اند» یا کاربرد خطای واژه وارداتی «ناسیونالیسم» به جای ایده «ایران‌گرایی و پرداختن به امر ملی» یا «ناکارآمدی زبان فارسی و انکار پیشینه‌اش در سراسر ایران» و مانند اینها نیفتند و به فکر بریدن از ریشه و تنه نباشند. هرکدام از این نظریه‌ها و شعارها را می‌توان در جای خود بررسی و نقد کرد. در پایان و در سالروز بزرگداشت خیام، خوب است برپیدی کوتاه از «نوروزنامه» را همین‌جا بخوانیم:

آمدن مود موبدان و نوروزی آوردن؛

«این ملوک غمخ از گاه کیخسرو تا به روزگار یزدگرد شهریار که آخر ملوک عجم بود، چنان بوده است که روز نوروز، نخست کس از مردمان بیگانه، مود موبدان پیش مَلک آمدی با جام زرین بُرمی، و انگشتری و درمی و دیناری خسروانی و یک دسته خوید سبزِزسته و شمشیری و تیرکمان و دوات و قلم و اسبی و بازی، و غلامی خوب‌روی و ستایش نمودی و نیایش کردی او را به زبان پارسی به عیارت ایشان. چون مود موبدان از آفرین پیرداختی، پس بزرگان جغرافیای ایران است و محدود به جغرافیای خراسان نیست تا احتمالا با برداشت نادرست از عنوان «حکیم توس» یا «فرزانه توس» او را در قید مرزهای

۳ نفر

سه نفر در مورد سرقت نسخ خطی موزه شاه نعمت‌الله ولی کرمان باز داشت شده‌اند. دادستان عمومی و انقلاب ماهان استان کرمان در این‌باره اعلام کرد: «چند نسخه قرآن خطی و چند سکه تاریخی از موزه شاه نعمت‌الله ولی سرقت شد. این رخداد روز پنجشنبه اتفاق افتاده و دستورات قضائی لازم به منظور شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان آن نیز صادر شده است. تاکنون مدیر مجموعه و دو نگهبان بازداشت شده‌اند». نبود و نقص عملکردی تجهیزات نظارتی از دلایل بروز این سرقت بود.

۲ کارگر

دیروز حادثه ریزش تونل شماره ۲۰ معدن زغال‌سنگ همکار در شهرستان کوهپایان منجر به آسیب‌دیدن دو نفر از کارگران این معدن شد. نیروهای امدادی بلافاصله پس از وقوع این حادثه در محل حاضر شدند و عملیات نجات را آغاز کردند که خوشبختانه هر دو کارگر آسیب‌دیده به‌سرعت از تونل خارج و به مراکز درمانی منتقل شدند. براساس آخرین اطلاعات دریافتی از منابع بیمارستانی، حال عمومی هر دو کارگر مساعد گزارش شده است. علت دقیق ریزش تونل هنوز مشخص نیست.

۸ میلیارد

مجری نظارت و ساماندهی استخراج رزمراز شرکت تولید، انتقال و توزیع نیرو برق (توانیر) از پرداخت همت میلیارد تومان پاداش به معرفی‌کنندگان ماینرها غیرمجاز خبر داد و گفت در فروردین امسال هم چهار برابر فروردین پارسال کشفیات داشته‌اند. او همچنین گفت: «در سال گذشته بیش از ۲۲۰ هزار دستگاه ماینر کشف کردیم. هر ماینر مصرف برقی در حد یک کولر کاری دارد که به‌طور ۲۴ساعته کار می‌کند؛ یعنی حدود دو کیلووات، ما فقط در این بخش نزدیک به هزار مگاوات برق کشف کرده‌ایم».